

اعلامیه مطبوعاتی

پیام کنفرانس مطبوعاتی حزب التحرير- ولایه سودان

(ترجمه)

سخن‌گوی رسمی حزب التحرير - ولایه سودان در کنفرانس دایر شده در روز شنبه ۱۷ جولای سال جاری گفت: «هیچ حکومتی امیدی را به ارمغان نمی‌آورد جز تحت سایه اسلام و دولتش».

در روز دوشنبه ۲۵/۰۵/۱۹، عبدالفتاح البرهان، رئیس شورای حاکمیت سودان، طی تصمیمی "کامل ادريس"، مقام پیشین سازمان ملل را به عنوان نخست‌وزیر منصوب کرد تا دولت تکنوکرات تشکیل دهد. در همان روز نیز تصمیمی صادر کرد که طی آن، فرمان قبلی مبنی بر نظارت اعضای شورای حاکمیت بر وزارتخانه‌ها و نهادهای دولتی لغو گردید.

با پیگیری روند تدریجی تشکیل دولت در طی دو ماه از طریق معرفی وزرا، متوجه می‌شویم که ماهیت این دولت از تکنوکراتی که نخست‌وزیر وعده‌اش را داده بود، به دولت ترکیبی تغییر یافته است؛ ترکیبی از تکنوکرات‌ها و سهم‌خواهی گروه‌های مختلفی که بر سر وزارتخانه‌های درآمدزا همچون دارایی، معادن و رفاه اجتماعی (دروازه کمک‌های خارجی) با یکدیگر نزاع دارند. از این بابت هیچ شرمی ندارند!

کامل ادريس، شعار دولت خود را «امید» قرار داد و در سخنرانی تلویزیونی خود در تاریخ ۲۵/۰۶/۱۹ م گفت که شعار دولتش "امید" و مأموریت آن «تحقق امنیت، زندگی مرفه و رفاه برای مردم» است. اما او قصد دارد این اهداف را با همان نظام حکمرانی سکولار دموکراتیکی محقق سازد که از زمان ورود استعمارگر کافر، کشتن، در سال ۱۸۹۸ م بر ما تحمیل شده است و تاکنون هم ادامه دارد؛ نظامی که نه تنها نتوانسته هیچ‌یک از وعده‌های فوق‌الذکر را محقق سازد، بلکه امنیت را از ما گرفت، حرمت‌ها را در هم شکست، و باعث گسترش یأس گردید؛ چنان‌که سطح زندگی به حدی تنزل یافت که بزرگ‌ترین آرزوی مردم این شده که فقط زنده بمانند، بی‌آن‌که امید و انگیزه‌ای در دل داشته باشند.

در مقابل، شریکان کامل ادريس که از توافق جویا به قدرت رسیده‌اند، مدام شعار "حاشیه‌نشینی" سر می‌دهند و به ساده‌دلان وعده می‌دهند، در حالی‌که به‌وضوح بین تصاحب کرسی‌های وزارتی و رفع ظلم از اقشار مظلوم در مناطق مرکزی و مرزی کشور، خلط می‌کنند.

شبکه الشرق از معتصم احمد صالح، دبیر سیاسی جنبش عدالت و مساوات، نقل کرده است که گفته: «توصیف پایبندی طرف‌های صلح به سهم‌خواهی وزارتی براساس توافق، به عنوان باج‌گیری سیاسی، خوانشی مغرضانه و اشتباه است که هدفش ترساندن این طرف‌ها و تخریب پروژه آنان است؛ برای تثبیت سلطه نخبگان مرکزی و محروم کردن نیروهای حاشیه از مشارکت عادلانه در تصمیم‌سازی».

بر هر دو طرف؛ چه تکنوکرات‌های به رهبری کامل ادريس و چه جنبش‌های موسوم به "مسلم"، واجب است که بدانند حاکمیت در اسلام کیک و غنیمتی نیست که صاحب آن از قدرت و ثروت لذت ببرد و برای رسیدن به صندلی قدرت وعده‌های دروغین به محرومان بدهد، چنان‌که الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا﴾ [النساء: 120]

ترجمه: (شیطان) آنان را وعده می‌دهد و به آرزوهای دور و دراز (و خیالی) می‌اندازد، درحالی‌که جز وعده‌های فریب‌کارانه بیدی‌شان نمی‌دهد.

این وعده‌ها چه در زمینه امنیت، آموزش، سلامت و چه برای ستم‌دیدگان مناطق دورافتاده - که آنان را «اهل حاشیه» می‌نامند - همگی حجتی علیه این دولت موسوم به «امید» هستند. تجربه نشان داده که هر کس با نگاه غنیمت به کرسی قدرت بنشیند، سرانجام هلاک می‌شود، چراکه تفاوت زیادی است میان کسی که اداره امور مردم را مکلفیت و امانت بداند - و در قیامت موجب رسوایی و پشیمانی خواهد بود - با کسی که برای چشیدن طعم کیک و ثروت و قدرت آمده است.

اما افسانه "حاشیه نشینی"، که هر خائی به کشور و یاغی بر حکومت آن را فریاد می‌زند، هدفش اشاره به ظلم‌هایی است که بر شهروندان مناطق دور افتاده وارد شده است؛ در حالی که منشأ این ظلم‌ها همان نظام سکولار غربی استعمارگر است. کسانی که برای تغییر این نظام اسلحه به دست گرفته‌اند، در واقع نمی‌خواهند آن را براندازند، بلکه سهم بیشتری از اجرای آن می‌خواهند! یعنی خودشان می‌خواهند همان ظلم را بر اهل حاشیه اعمال کنند!

در اسلام، سلطه (حاکمیت) تنها از آن امت یا نماینده‌اش است. امت این حق را به کسی می‌دهد که اهل مسئولیت عمومی باشد؛ کسی که قوی، پرهیزگار، مهربان با مردم و غیرنفرت‌انگیز باشد. این‌ها ویژگی‌های شخصی حاکم‌اند. اما در رابطه با مردم، باید خیرخواه باشد، از مال عمومی دست بکشد و تنها براساس اسلام حکم کند. این هفت شرط اگر در حاکم جمع شود، زندگی سامان می‌گیرد و امور مردم اصلاح می‌شود. پس جایگاه تکنوکرات‌ها و گروه‌های مسلح در این میان کجاست؟

تصویرسازی کامل ادریس از دولت خود به عنوان دولت امید برای مردم سودان، در حالی که حداقل انتظارات مردم از دولت، رفع مشکلات اساسی زندگی (خوراک، پوشاک، مسکن) و نیازهای اجتماعی (امنیت، آموزش، درمان) و خدماتی چون آب سالم، برق، زیرساخت‌ها و توقف غارت منابع ملی است، در واقع تلاشی بی‌ثمر است. این نیازها فقط زمانی محقق می‌شود که سلطه استعمارگر از ریشه کنده شود، امری که دولت کامل ادریس قادر به انجامش نیست.

چرا؟ زیرا درمان هر مشکلی نیازمند شناخت علت آن است و سپس درمانی که مستقیماً علت را هدف قرار دهد. پس آیا کامل ادریس با خود درمانی آورده که امید را زنده کند؟ یا حامل همان علل بحران است که فقط با آرایش عطار، تزئین شده‌اند؟

مردم سودان مسلمانند و اسلام عزیز دینی است که رسول الله صلی الله علیه وسلم از جانب خالق متعال آورده است. این اسلام، هم دین است و هم نظام حکومت، هم عقیده است و هم نظامی جامع برای زندگی تا روز قیامت. الله سبحانه و تعالی این دین را کامل و بدون هیچ کم و کاستی فرستاده است. اما غرب استعمارگر کافر، که در آخرین دور نزاع بین حق و باطل پیروز شد، دولت مسلمانان (خلافت) را ویران کرد و برای آنان دولت‌های ملی مزدور ساخت، که در رأس‌شان حاکمان خائن و فاسدی را گماشت و ارتشی از مزدوران سیاسی، فکری و رسانه‌ای را برای محافظت از آنان بسیج کرد. مأموریت همه آنان این است که از بازگشت اسلام – این پادشهر حیات – جلوگیری کنند و در عوض، نظام‌های کفری اربابان خود را بر مسلمانان تحمیل کنند؛ و حالا نزاع بین ارتش، تکنوکرات‌ها و گروه‌های مسلح فقط بر سر اولویت در اجرای همین نظام کفری است!

مشکل اصلی مردم سودان، اجرای همین نظام‌های ساخت استعمار غرب است: نظام دموکراتیک در سیاست و نظام سرمایه‌داری در اقتصاد که راه را برای غارت ثروت‌ها و به بند کشیدن مردم هموار کرده‌اند. این همان چیزی است که کامل ادریس آمده تا با ظاهری نو، بند بردگی آن را محکم‌تر بر گردن ما بیفکند. پس برای ما چه تفاوتی دارد که ابزار اجرای آن، تکنوکرات‌ها باشند یا گروه‌های مسلح یا مزدوران سیاسی؟!

امید، در طول تاریخ، هرگز از دل باطل، توهم، دروغ و فریب زاده نمی‌شود، بلکه همواره با حق، حقیقت و صداقت متولد می‌شود؛ و آن را پیامبران از جانب الله سبحانه و تعالی می‌آورند. آخرین آن‌ها، پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم بود که با دین کامل اسلام آمد؛ دینی که دستورالعملی کامل برای عقیده، حکومت، اقتصاد، جامعه، آموزش و سیاست خارجی دارد. این اسلام است که اگر مسلمانان اهل قدرت و نفوذ برای یکی از ایشان بیعت دهند، او خلیفه می‌شود و با تشکیل خلافت اسلامی، امید به زندگی عزت‌مند زنده می‌گردد.

در آن هنگام:

- 1- خلیفه صفحه آخر زندگی تحت نظام‌های ساختگی غربی و کارشناسان بیگانه را می‌بندد و نظام اسلام را با قدرت دلیل پیاده می‌کند.
- 2- خلیفه بلافاصله معاونان، والیان و سایر مسئولان را منصوب کرده و بدون هیچ سهم‌خواهی، به حل مشکلات مردم می‌پردازد، چراکه حاکمیت از آن امت است، نه از آن کسانی که سلاح دارند یا با بیگانگان در ارتباطند.
- 3- خلیفه نفوذ استعمارگر غربی را از سرزمین ریشه‌کن کرده، نهادهای دولتی را از عوامل بیگانه پاک می‌کند و از ثروت‌های فکری و مادی امت برای پیشرفت بهره می‌گیرد تا بار دیگر، همچون گذشته، به قدرت اول جهان تبدیل شویم.

5- خلیفه نیروهای مسلح را متحد کرده و تحت فرمان خود درمی آورد و بساط ساخت شبه نظامیان جدید، که برخی از آنها در کشورهای بیگانه آموزش می بینند، برمی چینند. چگونه می توان به زندگی شرافت مندان امید داشت، در حالی که چنین نیروهای سرزمین مان را اشغال کرده اند؟!

این تنها گوشه ای از احکام اسلام است که اگر به عنوان طرح سیاسی به امت عرضه گردد، می تواند امید به زندگی واقعی را زنده کند. هنگامی که این احکام اجرایی شوند، زندگی ما دگرگون می شود و همراه با امید، عمل می آید که ما را به قله های شکوهی که در گذشته داشته ایم بازمی گرداند. این بر الله سبحانه و تعالی دشوار نیست.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ﴾ [انفال: 24]

ترجمه: ای مؤمنان! فرمان الله را بپذیرید و دستور پیامبر او را قبول کنید هنگامی که شما را به چیزی دعوت کند که به شما زندگی (مادی و معنوی و دنیوی و اخروی) بخشد.

دفتر مطبوعاتی حزب التحرير - ولاية السودان